

## برای مزدا شاهانی

۱

پرده سالهاست،

خاموش ایستاده

پرده عمریست،

آئینه‌ی ندیدن است!

حق با توست

تویی که در بدرقه‌ی،

هزاران بهار بی درخت!

پائیز شدی

و در انتظار،

عاشق شدن ها

فراموش!

با اینهمه؛

در این ثانیه های سرشار شرارت

در سکوت تو را دوست می دارم

در همین جاودانگی انتظار وانگور

بزن،

بزن،

بالا بزن، بالاتر

هر شب،

رقصی میان آتش

و صبح،

رقص خاکستری در باد

نه ستاره چیزی می گوید

نه باد و بیابان!

ونه آن کولی خاموش،

که غمگین ترین ترانه‌ی جهان،

در چشمهایش می رقصد!

سیدعلی(منصور)میربازل